



لغو محدودیت اجتماعی معلولان

پدیدآورده (ها) : نرمان اکتون
علوم اجتماعی :: پیام یونسکو :: فروردین 1353 - شماره 56
از 23 تا 24

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/818911>

دانلود شده توسط : عمومی user2314
تاریخ دانلود : 18/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

دو ماهیگیری که در این تصویر می‌بینید در تایلند جزء دانش‌آموزان دومدرسه ویژه هستند که طی سالهای ۱۹۵۴ و ۱۹۶۱ در حومه بانکوک برای کودکان ناشنوا تأسیس شدند و ۶۰۰ نفر پسر و دختر در آن به تحصیل اشتغال دارند. علاوه بر دوره درس و تحصیلات منظم، این دو مدرسه امکان انجام فعالیت‌های هنری، پشه‌وری و ورزشی و نیز شرکت کامل دانش‌آموزان را در زندگی جامعه محلی برای آنان فراهم می‌سازند. این دو مدرسه در برنامه «کوپن‌های تعاونی یونسکو» جای دارند (مقاله صفحه ۴۱ را مطالعه کنید).

Photo Commission nationale thaïlandaise pour l'Unesco

لغو محدودیت اجتماعی معلولان

رفتار جامعه بطور کلی نسبت به آنان باید تغییر پذیرد

پیروزی بر مشکلات و کامیابی در این امر مستلزم پشتیبانی مؤثر جامعه از برنامه آموزش و پرورش استثنایی است. منظور ما از پشتیبانی مؤثر جامعه چیست؟ نخستین وظیفه جامعه در این زمینه بدون شک آنستکه برای یک آموزش استثنایی، امکانات و تسهیلاتی فراهم کند و از طریق مالیات یا راه‌های مختلف دیگر هزینه آنرا تأمین سازد و آنرا جزء نظام عمومی آموزش در آورد. شیوه‌ها و طرح‌های پذیرفته شده در همه‌جا حتماً یکسان نیستند ولی این عقیده که تأمین یک آموزش استثنایی جزء مسئولیت‌های عمومی هر جامعه و دولت محسوب می‌شود در میان مردم و دنیا طرفداران زیادی پیدا کرده است. برطبق نتیجه‌گیری‌های نخستین کنفرانس بین‌المللی که به سال ۱۹۷۱ در رم توسط سازمان توان‌بخشی بین‌المللی برای وضع قوانین درباره معلولان تشکیل شد، دولت‌ها در بقیه در صفحه بعد

از هر ده کودک دست کم یک کودک به آنچه آموزش استثنایی نامیده می‌شود نیاز دارد. اینان را، «عقب‌افتاده» یا «معلول» یا غالباً «استثنایی» می‌نامیم. اینگونه کودکان برای اینکه امکان نیل به هدف‌های آموزشی را داشته باشند به راهنمایی ویژه، کمک‌های فنی، ترتیب‌های خاص در مدارس، برنامه‌هایی که برای آنان تهیه شده، نیاز دارند.

در اعلامیه حقوق کودک که در ۱۹۵۹ به تصویب مجمع عمومی رسیده، تأکید شده است که هر کودک باید تحت تعلیماتی قرار گیرد که بتواند او را یک عضو مفید جامعه سازد. این هدف در مورد کودکان عقب‌افتاده اهمیت کاملاً ویژه‌ای دارد و نیل‌بدان مشکلتر است. دشواری کار هم ناشی از اشکال گوناگون و کم و بیش مهم آنرا و عقب‌افتادگی کودک و هم زاینده رفتار جامعه نسبت به کودکان عقب‌افتاده است.

www.noormags.ir

نوشته نرمان آکتون

نرمان آکتون «Norman Acton» دبیرکل «توان‌بخشی بین‌المللی» است که مهم‌ترین اتحادیه سازمان‌هایی است که اختصاص به کمک به افراد علیل و عقب‌افتاده دارند. او ریاست شورای جهانی سازمان‌های مربوط به معلولان را که مرکب از سی و هفت سازمان بزرگ بین‌المللی غیردولتی است، برعهده دارد. نرمان آکتون که رئیس و بنیانگذار سازمان بین‌المللی ورزشی برای معلولان است در مورد مسائل مربوط به اینگونه افراد مشاور ملل متحد، یونسکو و یونیسف بوده است.

توسعه و تأمین هزینه سازمانهای توان بخشی برای همه معلولان بدنی و روانی، باید مسئولیت مهمی را برعهده گیرند و نقش عمده‌یی را بازی کنند. بعلاوه «آموزش برای افراد ذینفع یا برای خانواده آنان باید رایگان تأمین گردد».

نقش قاطعی را که سازمانهای داوطلب در بوجود آوردن و دایر کردن سازمانهای آموزش استثنایی ایفاء می‌کنند نباید نادیده گرفت. در بسیاری کشورهای انجمن‌هایی مرکب از پدران و مادران و گروه‌های خصوصی دیگر نخستین کسانی بوده‌اند که به اهمیت مسائلی که فقدان یک آموزش استثنایی مطرح می‌سازد پی برده‌اند. آنان خود نخستین سازمانهای امدادی را بنیان نهاده‌اند و به نحو سودمندی کوشیده‌اند تا دولتها را متقاعد سازند به اینکه در دست گرفتن ابتکار تنظیم برنامه‌های رسمی یا پشتیبانی از مجاهدات گروههای خصوصی برای آنها، ضرورت دارد.

برنامه مدرسه زوریخ برای معلولان روانی نمونه جالبی در پیشرفت از مرحله ابتکار خصوصی به مرحله فعالیتهای دولتی است. با وجود یک نظام عمومی آموزش بسیار پیشرفته، کشور سوئیس در واقع طی سالهای ۱۹۳۵ هیچگونه مؤسسه‌یی برای آموزش کودکانی که دچار نقص روانی شدید بودند، نداشت. اینگونه کودکان ناگزیر بودند که در خانه بمانند یا اینکه در کانونهای خصوصی جای گیرند. در ۱۹۳۷ «دکتر ماریا اگ» برای کودکانی که گفته می‌شد تعلیم پذیر نیستند و به مدارس معمولی پذیرفته نمی‌شدند با کمک مؤسسات خصوصی، مدرسه‌یی دایر کرد. مدت ده سال خانم اگ و همکارانش ثابت کردند که اینگونه کودکان می‌توانند رفتار اجتماعی متناسبی فرا گیرند و اندیشه‌های خود را بدرستی بیان کنند. بعلاوه او نشان داد که می‌توان آنان را به کوشش شخصی و خودیاری عادت داد و با کارهای دستی گوناگون آشنا ساخت و نیز می‌توان بدانان آموخت که چگونه از طریق بیان، موسیقی و بطور کلی از راه فعالیت هنری شخصیت خود را نشان دهند. وی، همچنین ثابت کرد که برخی از آنان حتی می‌توانند در فنون مقدماتی آموزش تسلط داشته باشند و همگی قادرند که به زندگی بهتر و سعادت آمیزتری دسترسی یابند.

در میان خانواده‌شان رشد این کودکان در حدود امکان معمولی و طبیعی بود و در میان جامعه پیشرفت اینان در نظر عام نشانیه‌یی از کامیابی ابتکار دکتر اگ بشمار می‌رفت. پس از ده سال که مدرسه زوریخ بر اثر حمایت‌های خصوصی اداره شد شورای شهرداری زوریخ به ارزش واقعی آن پی برد و آنرا جزء نظام آموزش عمومی محسوب داشت. بعدها بیشتر از پنجاه انجمن سوئسی از کاری که در زوریخ انجام یافته بود، سرمشق گرفتند و برای استفاده کودکانی که سخت معلول بودند، مدارس



Photo © CNFLRH, Paris

تحقیقات کامپوز علوم اسلامی

تأسیس کردند. برای اینکه آموزش استثنایی مشارکت مؤثر مردم را برانگیزد، باید آنان به ضرورت و ارزش آن پی ببرند بفایده و اثر آن اطمینان حاصل کنند. تنها کافی نیست که انسان به صرف مخارج جدید تن در دهد یا بالحاق آموزش استثنایی به نظام آموزش عمومی درستی این اقدام را بطور ضمنی تصدیق کند، بلکه باید از مسئله آموزش استثنایی برداشت ویژه و وسیعی داشته باشد. در واقع آموزش استثنایی که هدفش آماده ساختن کودکان برای زندگی اجتماعی است باید در محیط مساعد و مناسبی گسترش یابد و این آموزش تنها هنگامی می‌تواند قرین کامیابی گردد که جامعه نسبت به اهمیت پذیرفتن معلولان خود بقدر کافی واقف باشد و در رفتار نسبت بدانان رشد خود را نشان دهد. از اینرو باید از همه وسایل ارتباط جمعی مانند مطبوعات، رادیو، تلویزیون، کنفرانس‌های عمومی، برنامه‌های باشگاهها و انجمن‌های خیریه، دوره‌های آموزش برای بزرگسالان وغیره برای آموزش و روشن ساختن فکر جامعه استفاده کرد.

میزان درک مردم از مسئله آموزش ویژه بوسیله اقدامات توفیق آمیزی مانند آنچه در مؤسسه زوریخ انجام شده و در آن شاگردان دکتر اگ ثابت کرده‌اند که توانایی و استعدادشان می‌تواند درهای جامعه را برآنان بگشاید، افزایش می‌یابد.

چرا کمک و پشتیبانی جامعه برای کامیابی یک برنامه آموزش استثنایی ضرورت دارد؟ آموزش استثنایی اگر اشخاص ذینفع واقعاً از آن استفاده نکنند معنی و مفهوم خود را از دست می‌دهد. این حقیقت که بسیاری از پدران و مادران حتی امروز بدشواری می‌توانند بپذیرند که کودکان معلول روانی بشمار می‌رود، موجب نگرانی است. عده‌یی دیگر از پدران و مادران از وجود امکانات مختلف آگاه نیستند، پدران و مادرانی هم هستند که به ابتکاری که کودکانشان امکان می‌دهد تا پناهگاه کانون خانوادگی یا یک مؤسسه خصوصی را ترک کنند، واقعاً ایمان ندارند. در این مورد نقش جامعه در سازمان‌های آن قاطع است. مهم اینست که اینگونه کودکان و خانواده‌های آنان را بیابند

و آنان را متقاعد کنند تا از امکانات آموزش استثنایی بهره‌برگیرند و برای اینکار آنان را یاری دهند. این وظیفه در محیطی ممکن است با سهولت کافی انجام یابد که در آن انسان احساس کند که همه مردم می‌توانند از کمک به معلولان سود برند.

تا همین دوره‌های اخیر آمریکای لاتین به‌اهمیت مسئله فلج مغزی توجه نداشت. زیرا خانواده‌های کودکانی که دچار فلج مغزی بودند، سعی داشتند موضوع را از مردم مخفی‌نگه‌دارند، معیناً اکنون همه می‌دانند که تعداد کودکانی که به‌علت ابتلاء به فلج مغزی از عقب‌ماندگی در سازه با محیط خانوادگی یا آموزشگاهی رنج می‌برند، فراوان است و همه به این نکته پی‌برده‌اند. بمنظور آنکه اینگونه کودکان بلحاظ اجتماعی افراد مفیدی بارآیند، باید برنامه‌های توان‌بخشی صحیحی که مخصوصاً شامل یک آموزش استثنایی باشد، بوجود آورد. علت عمده این دگرگونی مربوط به فعالیت‌هایی است که در کشورهای مختلف آن ناحیه بوسیله گروه‌هایی از پدران و مادران که کودکانشان مبتلا به فلج مغزی هستند، صورت می‌گیرد. این پدران و مادران که ابتدا در کوششی برای حل مسائل خاص خود یار و همکار یکدیگر بودند سریعاً به ضرورت یک آموزش استثنایی و امکانات کمکی دیگر آگاه شدند و جهد کردند که آنها را بوجود آورند. چون این خبر شایع شده بود که می‌توان برای کودکانی که به‌علت ابتلاء به فلج مغزی شدیداً معلول هستند، کاری انجام داد از اینرو تعداد بسیار زیادی از پدران و مادران با کودکانشان خود را معرفی کردند. چون موارد شناخته‌شده افزایش یافت بنابراین تأسیس مدارس بهتر، جلب گروه‌های متفاوت مورد نیاز و بالاخره قانع کردن دولتها به اینکه در برنامه‌های توان‌بخشی شرکت جویند یا خود ابتکار تنظیم چنین برنامه‌هایی را بدست گیرند و برای کودکان مبتلا به فلج مغزی آموزش ویژه‌یی را پیش‌بینی کنند، امکان‌پذیر گشت. مثلاً در کاراکاس، بوگوتا، لیما، بوئنوس آیرس، ریودوژانیرو و جاهای دیگر امکان استفاده از یک کمک مؤثر اکنون وجود دارد و در همه موارد سازمانهای خصوصی در آغاز برنامه نقش مهمی بازی کرده‌اند و هنوز هم به فعالیت‌های مؤثر، خود ادامه می‌دهند. چیزی که باقی‌مانده مبارزه کردن است برای اینکه رفتار آنان نسبت به معلولان و دانش و اطلاعات آنان از مسئله و شیوه‌های آنها در میان اجتماعات روستایی و در کشورهای درحال توسعه شیوع پیدا کند.

کمک و پشتیبانی فعالانه افراد جامعه بسبب دیگری هم‌حائز اهمیت است. این ضرورت است که ایجاب می‌کند که آموزش خاص حتی بیشتر از آموزش عمومی بعنوان وسیله‌یی بنظر برسد که کودک معلول را کمک و آماده می‌کند تا در محیطی که بدان وابسته است و بطور کلی در جامعه زندگی سودمندی را بقیه در صفحه ۴۴



Photo © Martini, Santa Fé, Argentine

آزمایش‌هایی که مدرسه شبانه برای نوجوانان و بزرگسالان ناشنوا در «سانتافه» آرژانتین بعمل آورده است نشان می‌دهند که وقتی عده‌یی از نوجوانان ناشنوا و لال جلوی گروه مردمانی که بیشترشان اشخاص معمولی هستند به‌نمایش صامت می‌پردازند از این جهت که آنان دیگر بر هرگونه احساس حضارت غالب آمده‌اند و اعتماد بنفسی کسب کرده‌اند. و این بدانسان کمک می‌کند تا در کارهای مدرسه توفیق بیشتری بدست آورند.

و نمایان تر می‌سازد. بعکس توان بخشی، اینست که کودکان عقب افتاده بتوانند از همان امکانات شکوفایی که برای کودکان معمولی فراهم است، برخوردار شوند.

در برخی موارد تغییرات جزئی در وضع ساختمان مدرسه مثلاً تغییرات در سطح شیپ دار درهای ورودی کافی است برای اینکه یک سربالایی راه ورود به مدرسه را برای بعضی کودکانی که دچار نقص بدنی هستند دشوار نسازد. اینگونه کودکان پس از آنکه وارد ساختمان مدرسه شدند می‌توانند از همه وسایل و امکانات آموزشی که در دسترس آنان قرار دارد استفاده کنند.

برای عده دیگری از کودکان باید محیط انطباق بهتر و کاملتری را بوجود آورد تا اینکه بتوان از شدت تأثیر ضربه عقب افتادگی‌شان در زمینه فراگیری و ارتباط اجتماعی در داخل مدرسه کاست.

برای پی بردن به مسئله آموزش و هرگونه مسائل جسمی و روانی دیگری که عقب افتادگی کودکان آنها را مطرح می‌سازد، نباید هرگز از نظر دور داشت که بیشتر این مسائل بوسیله محیط اجتماعی و رفتارهای اجتماعی نیست به معلولان بوجود می‌آیند و حالت جدی‌تر و دشوارتری بخود می‌گیرند. در گذشته ما کودکان را که تصور می‌کردیم غیر از کودکان معمولی هستند همیشه محکوم ساخته‌ایم و آنان را از زندگی اجتماعی به اصطلاح عادی طرد کرده‌ایم. ما ساختمانها و شهرهای خود را بگونه‌یی بنا کرده‌ایم که مردمی که آزادی حرکت محدودی دارند نمی‌توانند بدانها راه یابند، ما هنوز نیاموخته‌ایم که چگونه توانایی یک انسان را بنگریم بلکه به تصویر نقصانها و ناتوانی‌های او چشم دوخته‌ایم. آنها در زمانی که مردم این تصاویر را به اشکالی ساخته و پرداخته‌اند که بطور قراردادی زشت و ننگین شمرده می‌شوند. ما محدوده‌های آموزشی، شغلی، اجتماعی واقعی بوجود آورده‌ایم که در آنها افراد معلول جامعه بگمان ما چیزی یاد می‌گیرند، کار می‌کنند و به زندگی ادامه می‌دهند.

آموزش استثنایی برای این طرح ریزی شده است که به معلولان کمک کند تا از استعدادهای خود به بهترین وجه استفاده کنند ولی این آموزش نمی‌تواند به هدف خود برسد مگر اینکه از درک و حمایت افراد جامعه‌یی که در آن بموقع اجراء گذاشته می‌شود، برخوردار گردد و بالاخره آموزش استثنایی وقتی می‌تواند به نتیجه مطلوب منتهی شود که جامعه بکوشد تا موانعی را که بلحاظ مادی و اجتماعی بر سر راه معلولان خود بوجود آورده، از میان بردارد.

را بیش از پیش ناچیز جلوه می‌دهد. سابقاً این رسم متداول بود که معلولان خرد سال را با محدود ساختن آنان در چهار دیواری مدارس و مؤسسات ویژه از فواید و مزایای زندگی اجتماعی محروم کنند.

ضمن نظریه، جدایی معلولان خردسال و تأسیس مدارس ویژه برای استفاده کودکان ناشنوا و نابینا، باید برای آنان محیطی از زندگی و آموزش بوجود آورد که با وضع آنان بیشتر سازگار باشد. تصور می‌کردند که اینگونه کودکان از محیطی که برای آنان در نظر گرفته شده است و با شرایط عقب افتادگی آنان منطبق و متناسب است بهره بیشتری خواهند برد.

ولی از آنجا که سابقاً بین اینگونه کودکان و کودکان معمولی فرق قائل بودند و حتی امروز هم بین آن دو گروه تفاوت قائل هستند، از این رو مردم ندانسته و نا آگاه این جدایی را بوجود آورده‌اند. چون رفتار کودکان عقب افتاده گاه با رفتار کودکان دیگر فرق دارد بدین سبب در افراد جامعه ناراحتی و نگرانی تولید می‌کنند. (مقاله صفحه ۱۵ را ببینید).

توان بخشی بدین معنی نیست که برای معلولان خردسال درست همان نوع آموزش و امکانات آموزشی که کودکان عادی و معمولی می‌توانند از آن استفاده کنند تأمین گردد اینکار فقط شرایط عقب افتادگی را که کودکان معلول نمی‌توانند با آن روبرو شوند محسوس تر

بگذراند. پس شایسته است که تعلیم و تربیت او در تنهایی و بطور انفرادی صورت نگیرد بلکه باید بین دنیای مدرسه، معلمان، شاگردان و والدین کودکان و مردمی که در اطراف آنان بسر می‌برند یک محیط مناسب وجود داشته باشد. و باز بجاست که برنامه آموزشی جنبه‌های خاص زندگی اجتماعی را در نظر بگیرد و امکان بررسی نوع فعالیتها و سرگرمیهای جامعه را فراهم سازد و تسهیلاتی جهت شرکت در آنها برای کودکان معلول بوجود آورد.

اینهمه توقعات را تنها به شرطی می‌توان برآورد که سازمانها و افراد جامعه با وظایف و برنامه آموزش استثنایی رابطه واقعی و نزدیکی داشته باشند. هرگونه بررسی درباره روابط موجود بین آموزش استثنایی و جامعه، منتهی بطرح مسئله بسیار مهمی می‌شود که عبارت است از وظایف مربوط به آموزش استثنایی برای کودکان معلول و امکان شرکت آنها در نظام آموزشی معمولی است. برای هر کدام از آن دو نقش ویژه‌یی وجود دارد که باید از عهده انجام آن برآیند ولی موضوع که باید بدان اهمیت داد پیوند دانش آموزان معلول با سازمانهای آموزش عمومی است.

«دکتر هربرت گلدشتین» استاد دانشگاه شیبوا در نیویورک و رئیس کمیسیون توان بخشی بین المللی بوسیله آموزش عقیده دارد که مفهوم توان بخشی بدانگونه که آنرا در آموزش کودکان معلول بکار می‌بندند ارزش و اهمیت نقش جامعه

چند کتاب درباره معلولان

Situation actuelle et tendances de la recherche dans le domaine de l'éducation spéciale
Unesco 1973 (voir page 35)

Conception architecturale de communautés d'enfants
Publié par la Fédération Internationale des Communautés d'enfants, avec le concours de l'Unesco Paris 1973

Perspectives pédagogiques de l'éducation précoce et préscolaire des enfants déficients auditifs
Publié par la Fédération Internationale des Communautés d'enfants, avec le concours de l'Unesco Paris 1968

Etude sur l'état actuel de l'organisation de l'éducation spécialisée
Unesco 1970

Eduquer les enfants handicapés ?
Unesco 1970 (épuisé)

L'éducation des enfants et des adolescents handicapés
Sous la direction de Lucien Lefèvre et Richard Delchet
Edités par les Editions ESF 1969-1972

Etude sur la législation relative à l'éducation spéciale des enfants et jeunes gens déficients
(Enquête dans trente pays)
Unesco 1969

Répertoires internationaux sur l'éducation spéciale
Unesco 1968

Adaptation et éducation spéciale en France

Institut National de Recherche et de Documentation pédagogique
Paris 1973